

نقش سازمانهای بین المللی در تفسیر اوضاع افغانستان

قابل یادآوری میباشد که موجودیت تیوریهای گوناگون و متفاوت در مورد سازمانهای بین المللی، نحوه مطالعه و تأثیرگذاری این تیوریهی و چگونگی عملکرد سازمانهای یاد شده، بصورت موشگافانه در کنار عوامل، اصول، مقررات و ضوابط، باید با دقت مورد مطالعه و بررسیهای همه جانبه قرار گیرد. از سده نهم بود که رشد و انکشاف بیشتر روابط و مناسبات میان کشورها مطرح گردید. سازمانهای بین المللی در عرصه یاد شده، مهمترین موسساتی اند که در چهارچوکات آنها، اجرای دیپلوماسی بین المللی انجام میپذیرد. روابط و مناسبات دیپلوماتیک، بصورت کل، شریانهی چهارچوب روابط بین المللی را تشکیل میدهند، اما این سازمانهای بین المللی اند که شکل و فورم بزرگتر همکاری میان دولتها را تمثیل نموده و مهمتر از همه اینکه، سازمانهای بین المللی، عمدتاً و بصورت عام در عرصه امنیت و صلح بین المللی نیز رسالت معینی بدوش داشته و نقش با اهمیتی در زمینه ایفا مینمایند.

مسأله هستی مشترک، موضوع خاص و منحصر بفردی در سیاست بین المللی محسوب میگردد. هستی مشترک، اصلاً بصورت جمعی و مشترک و بمثابة یک جمع وکل، واقعیت عینی داشته و دارای مشخصات ذیل میباشد: هیچکسی نمیتواند آنرا غیر ممکن بشمرد، نابودی و جداسازی آن اصلاً غیر ممکن بوده و در صورتیکه بیش از پیش مورد استفاده و کاربرد قرار گیرد، از اهمیت آن و از اهمیت بکارگیری آن نیز کاسته نمیشود. این واقعیت را یادآور باید شد که مردمان و سایر باشندگان یک کشور، خواهان تطبیق قانون، تأمین ثبات، حفظ امنیت، موجودیت محیط سالم و همکاری متقابل میباشدند.

سازمانها و انجمنهای بین المللی با در نظر داشت اصل منافع علیای کلیه کشورها، در امر حفظ هستی مشترک باید بذل مساعی نمایند. بنابراین دولت میتواند بر افراد جداگانه فشار آورده و در صورت ضرورت، علیه سلوک و عملکرد غیر قانونی آنها به اقداماتی متوسل گردد، نباید فراموش نمود که سیستم بین المللی هیچگونه قدرت مافوق را بر رسمیت نمیشناسد، اما موجودیت و ابستگیهای متقابل، بیشتر بمنظور دستیابی به اهداف و منافع دولتها از اهمیت بسزایی برخوردار میباشد. در اینجا پرسشی مطرح میگردد که چنان ممکن است همکاری و همیاری سازمانها و انجمنهای بین المللی در معرفی و بررسی بیغرضانه شرایط و اوضاع کشور ممد واقع گردد؟

در روابط بین المللی کنونی، تشکیل حکومت جهانی که وادار به همکاری گردد، اصلاً امکان پذیر نبوده و ممکن آرزویی بیش نباشد. هیچکسی در مورد ایجاد و استقرار جامعه جهانی و ایجاد و پیدایش حاکمیت جهانی نمیتواند نظر ثابتی داشته باشد. در جاییکه همکاری و تعاون سازمانها و انجمنهای بین المللی در بازتاب واقعیتها، بشکل طولانی مدت و در عین زمان بصورت سازنده صورت میگیرد، ضرورت برهنمایی ارگانهای دولتی

اصلاً احساس نمیگردد. همکاری ممکن بصورت قطع، همراه با خود مختاری دولتها و بشکل انجمنهای اجتماعی تحقق پذیرد.

سازمانها و انجمنهای بین المللی برای این منظور بوجود میآیند که دولتها آرزومندند تا در کوتاه مدت بگونه شایسته و با جدیت تمام در جهت منافع خویش سعی ورزیده و در طولانی مدت، نیز باهم یکجا به کار و فعالیت پرداخته و در بسیاری از موارد و بسا مسایل باهم وجوه مشترکی کسب نمایند. سازمانها و رژیمهای بین المللی میتوانند بمثابه انجمنهای حل و فصل قضایای جمعی بسطح بین المللی نیز پذیرفته شوند. تجزیه و تحلیل رژیمها بمثابه نخستین عرصه تمرکز فکری در مورد تیوریهای همگرایی (منطقوی یا محلی) محسوب میگردد. تحت نام انجمنهای متذکره، سازمانهای بین المللی حکومتی و غیرحکومتی قرار گرفته و رژیمهای بین المللی برای عرصه های سیاسی و کنوانسیونهای (میثاقهای) غیررسمی و موقتی، بصورت قابل قبول و پذیرفتنی، تحت نظر و عملکرد طرفین شکل میگردد. عده ای بر اصل همکاری و همیاری تأکید ورزیده، اما متیقن اند که اصل متذکره در واقع، امکان ناپذیر و غیر عملی میباشد، همچنان ادعا مینمایند که دولتها خود، اکثراً از مسأله موضعگیریهای رقابت آمیز میان همدیگر اطلاع حاصل مینمایند. آنها همچنان، معمولاً از بخشها و موارد نسبی پیوند آزادند (فرضیه های نسبی). میتوان گفت بهتر آن خواهد بود تا موقعیت نسبی آنها تحت نظارت و رهبری دولتهای دیگر قرار گیرد. طبعاً اصل همکاری و تساند میان آنها مملو از معضلات و مشکلات فراوانی بوده اما بصورت قطع میتوانند سود و بهره زیادی نیز ببار آورند.

همه در این مورد متفق الرأی اند که در فعالیتهای وجد و جهد دولت افغانستان بمنظور دستیابی به صلح و آرامش، انجمنها و سازمانهای بین المللی، نقش میانجیگرانه ای ایفا مینمایند. عده ای از تیوریهینها متذکر میگرددند که اگر سازمانهای بین المللی در محدوده موجود با پخش و گسترش وسیع قدرت همراه باشند، از امکانات مساعد و موفقیت و پیروزی بیشتری بهره مند میگرددند. سازمانها و رژیمهای بین المللی و سازمانهای اجتماعی افغانی اگر با دولت افغانستان و همچنان با جامعه جهانی مطابق ضرورتهای جامعه کنونی، بصورت واقعی همکاری و همیاری داشته باشند، دولت افغانستان، سازمانهای بین المللی و سایر طرفهای درگیر، برنده گردیده و از موفقیتهای قابل توجه در زمینه برخورداری میگردند، سازمانهای بین المللی را میتوان با در نظر داشت مشخصات دوگانه دسته بندی نمود: یکی مشخصه نحوه عضویت و دیگری هم مشخصه حدود وظیفوی آنها. همه دولتها میتوانند عضویت این سازمانها را حاصل نمایند. سازمانهای با پذیرش عضویت محدود را میتوان از جمله پیمان اتلانیک شمالی (ناتو)، سازمان امنیت و همکاری اروپا، کامنولت انگلیسی، کمونیه فرانسه و سازمان همکاری اقتصادی و انکشاف و یا سازمانهای شبه منطقوی مانند بینیلوکس، نام برد. در مورد دوم، میتوان میان سازمانهای بین الحکومتی با گوناگونی اهداف آنها و سازمانهای نظامی که دارای اهداف معین و محدود میباشدند، تمایز قایل گردید. سازمان ملل متحد مهمترین سازمان عمومی و همگانی در مورد، محسوب میگردد. بسیاری از سازمانهای منطقوی دارای وظایف چند گانه میباشدند، بطور مثال سازمان وحدت افریقا، سازمان دولتهای امریکایی، اتحادیه اروپا، لیگ عرب و غیره. در عین زمان، بسیاری از سازمانها، عملاً و بصورت مشترک جهت نیل به هدف واحدی سعی میورزند. در محدوده کتگوری سازمانهای با تعداد محدود پذیرش که تأمین صلح و حفظ امنیت از عمده ترین وظایف آنها بشمار میرود، میتوان تفکیک دوگانه ای بعمل آورد: سازمانهایی که حل و فصل اختلافات داخلی را بمثابه وظیفه دفاع در قبال حملات و تهدیدهای خارجی میپندارند و سازمانهای بین الحکومتی که میتوانند وظایف جداگانه ایرا انجام دهند. عمده ترین این وظایف عبارتند از:

-- معرفی جمعی از کارشناسان بمنظور تماسهای دیپلماتیک میان حکومت دولتهای درگیر در قضیه از طریق رشد و تکامل دیپلماسی چند جانبه؛

-- همکاری میان دولتهای یادشده، آنهم طی پروسه همیشگی و ثابت، چه در جریان عادی امور روزمره و چه در شرایط بحرانی؛

-- طرح و معرفی شیوه هایی بمنظور حل و فصل مخاصمات؛

-- جمع آوری اطلاعات و تحویل آن به دولتهای کشورهای ذیربط؛

-- طرح منظم اصول و موازین و تعمیم اجرای وظایف.

متذکر باید گردید که سازمانهای بین الحکومتی، سازمانهایی اند که توسط آنها حکومتها از دولتهای شان نمایندگی مینمایند. بیشترین سازمانهای بین المللی، توسط سازمانهای دیگری ایجاد گردیده که در نتیجه، آنها نیز میتوانند مجدداً به ایجاد و پیدایش سازمانهای جدیدی مبادرت ورزند و قس علیهذا. بسیاری از سازمانها، بنحوی باهم مرتبط بوده و خانواری از سازمانها را ایجاد نموده اند که بزرگترین آنها میتوان خانواده ملل متحد نامید که دارای بیش از ۹۹۲۳۹۲۹۰، سازمان میباشد. سازمانهای بین المللی، بیشترین مبتنی بر اصل استقلالیت و مساوات دولتها بوده که مطابق آن، اساساً در تصمیمگیریهای بین المللی، هر دولت، از یک رأی برخوردار میباشد. بسیاری از سازمانهای بین المللی، تصامیم و فیصله های خویش را از طریق رأی گیری اتخاذ مینمایند. رأی گیری، آخرین و نهایی ترین مرحله تصمیمگیری میباشد. در واقع، نابرابری قدرت بصورت محدود آن در ارگانهای سازمانهای بین المللی بخوبی انعکاس مییابد. بآنکه ابزار دیگر نیز موجودند تا غرض دستیابی به اهداف مورد نظر از آنها استفاده اعظمی بعمل آید، اما دولتهای نیرومند، سازمانهای بین المللی را بمثابه ابزار سیاست خارجی بکار میگیرند، تا غرض دستیابی با اهداف خویش از آنها، استفاده اعظمی را بعمل آورند. بعضاً بدون در نظر داشت انتخاباتهای سیاسی و یا ایدیولوژیک و یا نیز در بازیهای اقتصادی، تمامی دولتها، همه، علیه دولت دیگری بهم پیوسته، به شیوه ها و وسایل تهدید آمیزی متوسل گردیده، راهها و وسایل صلح آمیز نیل به هدف را مردود شمرده و یا آنها را اصلاً مدنظر قرار نمیدهند، اما باید متذکر شد که اصل تقسیم و توزیع، معمولاً و اکثراً بر اساس ظرفیت صورت میگیرد. بسیاری از سازمانهای بین المللی بین الحکومتی، میتوانند بصورت دوره یی به تشکیل جلسات پرداخته و نمایندگان بصورت مساویانه با شرکت در چنین گردهمایی هایی، از دولتهایشان بخوبی نمایندگی نموده و در زمینه های معین، به حصول توافقاتی نایل آیند. سازمانهای بین المللی، بمثابه پدیده های مربوط به سیاست بین المللی محسوب میگردند. نظریات و طرحهای مختلفی در مورد فایق آمدن سازمانهای بین المللی بر خشونتها و برخوردهای مسلحانه در افغانستان، به دهه قبلی منحصر میگردد که با عکس العملهای تهدید آمیز جوانب مختلف مواجه گردید، اما در مقابل، بعضیها طرحهای متذکره را بمنظور ایجاد و تحکیم صلح سراسری در افغانستان بمثابه پیشآمد مهمی مینمیداشتند، بنأء، دهه قبلی نه تنها و صرف بمثابه نقطه اوج عملکرد طرفین درگیر و متخاصم، بلکه بمثابه مقطع زمانی عمده و قابل توجهی برای ایده های مربوط به اهمیت ایجاد صلح و آشتی محسوب میگردد.

موجودیت ثابت و همیشگی کمیسیونهای کارمندان سازمانهای بین المللی که خارج و فارغ از موارد بیروکراسی های موجود صورت میگیرد، از اهم مسایل قابل توجه میباشد. اینها در آغاز و ابتدای امر و قبل از همه، در عرصه ارتباطات بین المللی دارای وظایف و رسالتهای مشخصی میباشد. قابل یادآوریست که پیدایش نخستین سازمانهای بین الحکومتی را بمثابه ضرورت پیدایش و موجودیت منطقی تماسهای بین المللی محسوب مینمایند. نخستین سازمان بین المللی، پس از نیمه دوم سده نهم تشکیل گردید. با در نظر داشت حقایق متذکره در فوق و با جمع بندی فاکتتهای موجود در عرصه یادشده، باید افزود: در شرایط کنونی، این موضوع قابل تذکر میباشد که جنگی که باید بر مراکز تمویل، تجهیز و تجمع تروریسم و تروریستها متمرکز میگردد، بر کشور عزیز ما افغانستان تحمیل گردید و اینک که ماشین جنگی ناتو و شرکا در جغرافیای افغانستان در گل مانده، نام آنها «ختم مسوولانه جنگ در افغانستان (!)» مینامند، این جنگ، جنگ ما نبود و نیست. کشور عزیز ما و وطنداران ما قربانی امر مبارزه با

تروریسم گردیدند • وظیفه و رسالت سازمانهای بین المللیست تا درروشنایی حقایق موجود، آنچنانکه ایجاب مینماید، واقعیتها را برملا سازند تا بیشتر از این مردم در سردرگمی بسر نبرند •

قابل تذکر است که سازمانهای بین المللی با در نظر داشت اصل واقعینی، احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها و با برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل و انتخاب نوع و طرز حکومتداری توسط خود مردم، از نقش درخور اهمیتی برخوردار میباشند •

در فرجام و بمثابه حسن اختتام باید یادآور شد که تا همه دست بدست هم ندهند، معجونی بنام صلح امکان ناپذیر بوده و دستیابی (بمفهوم و معنی واقعی کلمه) به صلح و آرامش سراسری در افغانستان جنگ زده:

خواب است و خیال است و جنون!

!